

## فصلنامه محیط راهبردی

سال پنجم، شماره ۱۷، زمستان ۱۴۰۰

مقاله پژوهشی، صفحه ۹۳ تا ۱۲۸

## نقش ج.ا.ایران بر چالش‌های هم‌گرایی جهان اسلام در منطقه غرب آسیا

احمد طهری<sup>۱</sup>، سید مرتضی طباطبایی<sup>۲</sup> و محسن محمدی<sup>۳</sup>

پذیرش مقاله: ۱۴۰۰/۰۹/۱۸

دریافت مقاله: ۱۴۰۰/۰۷/۱۵

### چکیده

استراتژی کلان امنیت جهان اسلام یکی از اصول بنیادی است که التزام داشتن قدرت دفاعی را عیان می‌سازد و می‌تواند در وحدت و هم‌گرایی جهان اسلام نقش مؤثری ایفا کند. ایران در کانون و مرکز ثقل جغرافیای شیعیان است. از این رو، می‌تواند این قلمرو را رهبری نماید، به گونه‌ای که علاوه بر محوریت جهان تشیع، موقعیت محوری در جهان اسلام نیز خواهد یافت. ایران با بهره‌گیری از مؤلفه‌های تأثیرگذاری همچون وحدت کلمه، دشمن مشترک، آرمان مشترک، استقلال و نفی وابستگی، مردم‌گرایی و مقاومت در جنگ هشت‌ساله، تبدیل به الگو شده و زمینه هم‌گرایی بیشتر با ملت‌های مسلمان شرق مدیترانه را فراهم ساخته است که این منجر به ایجاد یک قلمرو فضایی با مرکزیت ایران خواهد شد. این پژوهش تلاش دارد تا با رویکردی توصیفی - تحلیلی با استفاده از مطالعات کتابخانه‌ای، چگونگی تأثیر نقش‌آفرینی منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران بر چالش‌های هم‌گرایی جهان اسلام را بررسی نماید. نتایج حاصل از این تحقیق، نشان می‌دهد که ایران با بهره‌مندی از موقعیت کانونی در محدوده ژئوپلیتیکی، نقشی مؤثر در تحولات منطقه، سعی در گسترش حوزه نفوذ و قلمروخواهی در منطقه غرب آسیا دارد، چون این منطقه در راهبرد منطقه‌ای ایران از جایگاه مهمی برخوردار است و همچنین ایران در هم‌گرایی جهان اسلام در قرن بیست‌ویک، نه‌تنها می‌تواند رهبر جهان اسلام در منطقه در کلیه ابعاد سیاسی، اقتصادی و نظامی باشد، بلکه رهبری جهان اسلام را بر عهده گیرد.

**کلیدواژه‌ها:** جمهوری اسلامی ایران، جهان اسلام، جایگاه منطقه‌ای، وحدت اسلامی، هم‌گرایی.

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد مدیریت امور دفاعی دانشگاه فرماندهی و ستاد ارتش جمهوری اسلامی ایران.

۲. کارشناسی ارشد پدافند غیر عامل.

۳. کارشناسی ارشد حقوق و پژوهشگر مسائل بین‌الملل.

## مقدمه

در جهان اسلام دو رنسانس تا به امروز به وقوع پیوسته است. هر دو رنسانس در قلمرو جغرافیای گهواره جهان اسلام بوده است. رنسانس اول ۱۴۵۳ میلادی که مرکز امپراتوری روم شرقی دچار دگرگونی شد و امپراتوری اسلام شکل گرفت. رنسانس دوم در اواخر دهه ۷۰ میلادی رخ داد که این رنسانس برخلاف رنسانس اول جهان غرب را از لحاظ ژئوپلیتیکی دچار دگرگونی عظیم نمود. این بار در محدوده جغرافیای جهان اسلام موجی از خشونت ایجاد شده، درحالی که ریشه در استراتژی انرژی دارد و سیاسی است.

وحدت اسلامی یکی از مهم‌ترین ضرورت‌های تاریخی، اجتماعی و سیاسی مسلمانان در جهت ایستادگی و پویایی و هویت امت اسلامی و از مهم‌ترین عوامل عزت و پیروزی آن‌ها در همه صحنه‌هاست. اگر در تاریخ حکومت‌های اسلامی، اختلاف و تفرقه مشاهده می‌شود، بیشتر سیاسی بوده نه مذهبی؛ زیرا مسلمانان با آگاهی از آموزه‌های اسلامی و سیره بزرگان اسلام، زندگی مسالمت‌آمیز در کنار پیروان سایر ادیان و مذاهب مختلف را فراگرفته بودند؛ از این رو حوادث تلخی که بر پایه اختلاف دینی و مذهبی رخ داده باشد، در تاریخ اسلام کم است. با نزدیک شدن به قرون جدید، جنبه چنین اختلافاتی بیشتر شده و در یک‌صد سال اخیر و به‌ویژه زمان حاضر، افزایش قابل توجهی پیدا کرده است. عامل اصلی اختلاف در جهان اسلام، سیاست‌های مداخله‌جویانه غرب در جهان اسلام هست و این خود نشأت گرفته از عدم انسجام درونی جهان اسلام به‌عنوان یک قطب قدرت بوده است. نگرانی از قدرت گرفتن مسلمانان در جهان و انسجام آن‌ها که در نهایت امکان سلطه را از قدرت‌های استکباری از جهان اسلام سلب می‌کرد سبب شد که طی دو دهه گذشته، راهبرد دشمنان بر دامن زدن به جنگ‌های فرقه‌ای و تشدید اختلاف میان مسلمانان متمرکز شده و با خلق گروه‌های وابسته تروریستی نظیر القاعده و داعش عملاً جهان اسلام را باهم درگیر کنند و برای مداخله رژیم صهیونیستی در منطقه بستری را فراهم آورند تا با تخریب زیرساخت‌های جهان اسلام و کشتار مسلمانان، هم کشورهای اسلامی را تضعیف کرده و هم با ارائه تصویر منفی از مسلمانان در جهان عملاً روند گرایش پیروان دیگر ادیان به سمت اسلام را محدود کنند.

از اوایل قرن بیستم، جریان‌های فکری اسلامی با عنوان نهضت‌های بیداری اسلامی که نشأت گرفته از انقلاب جمهوری اسلامی ایران می‌باشد، در جهان اسلام شکل گرفتند و هدف آن‌ها مقابله با استعمار کشورهای اسلامی توسط غرب و بازگشت مسلمانان به احکام و قوانین اسلامی بود که به فراموشی سپرده شده بودند. هدف کلی این جریانات، بازتولید و زنده کردن اسلام سیاسی در قرن بیستم بود. روند بیداری اسلامی و اسلام‌گرایی تاکنون سبب شکل‌گیری الگوهای مختلف اسلام‌گرایی در نقاط مختلف منطقه شده است.

جهان اسلام مفهومی ژئوپلیتیکی<sup>۱</sup> است که به فضای جغرافیایی استقرار مسلمانان اطلاق می‌شود. این منطقه زمانی به صورت پاره‌پاره و دارای فرقه‌ها و ادیان و اقوام مختلف بود. در قرن هفتم میلادی پیامبر اسلام در شبه‌جزیره عربستان ظهور کرد و دین آسمانی اسلام را به اعراب معرفی کرد و سپس به روش‌های مختلف، این دین جدید به ممالک دیگر رفت و مردم ساکن در جغرافیای فعلی جهان اسلام را در یک مشخصه اصلی، یعنی اعتقاد به دین اسلام باهم متحد کرد و آن‌ها را با یکدیگر برابر و برادر گردانید. اکنون جهان اسلام از نظر جغرافیایی شامل سرزمین‌های وسیعی است که بدنه اصلی آن مستطیلی است که از کرانه‌های اقیانوس اطلس شروع شده و تا جنوب غربی و شمال شرقی آسیای مرکزی و تا غرب چین امتداد می‌یابد (عزتی، ۱۳۷۸: ۳۱).

با توجه به توانمندی‌های مهم ژئوپلیتیکی، ژئواستراتژیکی و ژئواکونومیکی ایران که دارای قابلیت‌های فراوانی برای تبدیل شدن به یک قدرت در عرصه نظام ژئوپلیتیک جهانی است؛ به اعتقاد کارشناسان، به لحاظ سیاسی ایران می‌تواند با هم‌گرایی و وحدت، یک هژمونی قدرت را در منطقه تشکیل دهد و با هم‌گرایی با کشورهای اسلامی منطقه در درازمدت، ایران می‌تواند به‌عنوان قدرت بلامنازع منطقه و در سایه این هژمون جهان اسلام را به‌عنوان یکی از شش منظومه قدرت موجود در قرن بیست‌ویک معرفی نماید و زمینه‌ای را فراهم آورد که منافع کلیه کشورهای اسلامی عضو «اتحادیه کشورهای اسلامی» حاصل آید که در این راستا ایران می‌تواند با نقش‌آفرینی علاوه بر بازیگری در نقش یک بازیگر

۱. Geopolitic

منطقه‌ای، نقش یک بازیگر بین‌الملل را نیز ایفا نموده و ضمن گسترش منطقه نفوذ خود، منطقه مورد علاقه کشورهای هم‌چون عربستان و دیگر کشورها را که داعیه رهبری بر جهان اسلام را می‌پروراند تحت تأثیر خود قرار دهد.

برخی از نخبگان و روشنفکران و آگاهان مسلمان که اکثراً از علمای اسلامی بودند، خطر ایجاد فرقه بین مسلمانان که سیاست غربی‌ها بود را گوشزد کردند، اما از اوایل قرن بیستم افرادی در جهان اسلام شروع به ایجاد جنبش‌ها و یا تدوین کتب و نشریاتی کردند تا بتوانند مسلمانان را نسبت به این واقعیت آگاه کنند. مسلم است که یاری گرفتن از باورها و ارزش‌های اسلامی، یکی از مهم‌ترین عوامل شکل‌گیری وحدت و هم‌گرایی میان کشورهای اسلامی است. در حقیقت، با تکیه بر ارزش‌ها و باورهای مشترک، زمینه بهره‌جویی از ظرفیت‌های موجود جهان اسلام به‌منظور حفظ و ارتقای منافع مسلمین، امکان‌پذیر می‌شود. همکاری و هم‌گرایی، در تاریخ زندگی اجتماعی، اساس شکل‌گیری جوامع مختلف بشری بوده است که می‌توان ردپای آن‌ها را در نوشته‌های ارسطو، افلاطون، ابن‌خلدان و هگل مشاهده کرد (کاظمی ۱۳۹۲: ۳۳-۳۲).

هم‌گرایی وضعیتی است که در آن گروه‌ها، سازمان‌ها، نهادها یا کشورها، برای حفظ منافع جمعی، به همکاری گسترده با یکدیگر پردازند و به‌سوی نوعی وحدت گام بردارند. نمونه‌های موفق از هم‌گرایی در دنیای معاصر، از جمله روند هم‌گرایی در اروپا و در نهایت شکل‌گیری اتحادیه اروپا و هم‌گرایی بین کشورها آسیای جنوب شرق (آسه آن)<sup>۱</sup> موجب شد که صاحب‌نظران و سیاست‌مداران، با نگاه به این تجربه‌های نسبتاً موفق، هم‌گرایی را تجربه‌ای مطلوب در راه کسب منافع بیشتر و همکاری مناسب‌تر، همراه با تضمین امنیت در روابط بین کشورها، به‌ویژه در شکل منطقه‌گرایی به شمار آورند.

۱. اتحادیه جنوب شرقی آسیا (آسه آن) (Association of Southeast Asian Nations) که به‌اختصار ASEAN خوانده می‌شود، در هشتم آگوست سال ۱۹۶۷ میلادی تأسیس شد. هدف این اتحادیه که یک نهاد اقتصادی و سیاسی است، تسریع در پیشرفت اقتصادی و ثبات کشورهای منطقه جنوب شرقی آسیا است. ۱۰ کشور تایلند، مالزی، سنگاپور، اندونزی، فیلیپین، بروئی، ویتنام، لائوس، میانمار و کامبوج عضو اتحادیه جنوب شرقی آسیا هستند.

## تشریح و بیان مسئله

هر کشوری بر اساس برخورداری از سطوح قدرت، به گسترش حوزه نفوذ و افزایش نقش در منطقه یا مناطق پیرامون خود علاقه دارد. یکی از حوزه‌های ژئوپلیتیک حساس پیرامون ایران، منطقه خاورمیانه است. ایران به دلایل عمده ژئوپلیتیکی، خواهان تداوم سیاست تنش‌زدایی در منطقه است؛ چون در معادلات منطقه‌ای، بهترین سیاست برای یک قدرت منطقه‌ای مثل ایران این است که در محیط همسایگی و امنیت ملی خود با سایر قدرت‌های منطقه‌ای نوعی روابط متعادل را برای تأمین امنیت و ثبات منطقه‌ای دنبال کند. ایران با بهره‌مندی از موقعیت کانونی در محدوده ژئوپلیتیکی غرب آسیا و نقش مؤثر در تحولات منطقه، سعی در گسترش حوزه نفوذ و قلمروخواهی در این منطقه دارد و این نقطه به لحاظ حضور جمعیت قابل توجهی از شیعیان، بستر لازم برای حضور و قلمروسازی ایران را دارا بوده و در راهبرد منطقه‌ای ایران از جایگاه مهمی برخوردار است. وجود تنش در روابط بازیگران قدرتمند منطقه‌ای در هر حال توجیهی برای ایفای نقش سیاسی بیشتر بازیگر رقیب خارجی مثل آمریکا در مسائل منطقه‌ای مثل بحران سوریه یا عراق است که در نهایت به نفع یک بازیگر مستقل مثل ایران نخواهد بود، چون در این معادله، بازیگران رقیب منطقه‌ای مثل عربستان، منافع خود را در نزدیکی با قدرت خارجی می‌بینند. بسیاری از کشورهای منطقه در چهار دهه گذشته تلاش کرده‌اند کاخ قدرت خود را بر روی شن‌های سیال موجود در ارتباط با روابط ایران با نظام بین‌الملل در حوزه منطقه‌ای استوار سازند و اکنون این شن‌ها را روان می‌بینند و نگران آینده هستند و لذا سعی می‌کنند زیرساخت‌هایی از ثبات را تا سر حد امکان به وجود آورند تا در پرتو امکان بازگشت مجدد ایران به نظام منطقه‌ای و نظام بین‌المللی، آنچه قبلاً سرمایه‌گذاری کرده‌اند، حداقل متوجه ضرر به اصل آن نشوند و از طرفی نقشه راه ایالات متحده آمریکا در منطقه خاورمیانه است و یکی از مهم‌ترین ارکان آن ایران و جغرافیایی به نام نوهارتلند<sup>۱</sup> است.

---

۱. Nvhartlnd

آنچه هم‌اکنون در خاورمیانه می‌گذرد، تابش سیگنال‌های متفاوتی از سناریوهای مختلف قدرت‌های بزرگ جهانی برای اداره منطقه در محیط عمل خویش و در راستای منافع و اهداف تعیین‌شده در ساخت نظم نوین جهان است. سناریوی مطلوب آمریکایی‌ها، تجزیه منطقه نیست، اما آن‌ها تسلط بر نوهارتلند؛ یعنی فلات ایران و خلیج فارس را در دستور کار خود قرار داده‌اند تا بتوانند هارتلند علیا یا هارتلند هدف؛ یعنی تبت را کنترل کرده و از این طریق کمر بند امنیتی جهان را به نفع خود دگرگون کنند. آنچه هم‌اکنون مدنظر است هارتلند بزرگ است. هارتلند بزرگ سه بخش عمده دارد؛ هارتلند نو (خاورمیانه)، نوهارتلند (خلیج فارس) و هارتلند علیا (تبت). در میان هارتلند بزرگ آنچه برای آمریکا اهمیت جدی دارد، اولویت استراتژیک نوهارتلند و اولویت استراتژیک هارتلند علیاست. لذا آمریکا بر آن است که بتواند نوهارتلند و هارتلند علیا را از آن خود کند. آمریکایی‌ها به خوبی واقف‌اند که تسلط بر هارتلند بزرگ و سه بخش عمده آن می‌تواند قدرت افزون‌تری به آن‌ها ببخشد ولی اگر قرار باشد با هزینه‌های کمتری نظم آینده جهانی را به نفع خود رقم بزنند، بر آن خواهند شد که خاورمیانه عربی یا از هارتلند بزرگ، هارتلند نو را در ارتباط با تحولات بعدی به معامله بگذارند. به همین خاطر کشورهای عربی نگران نظم آینده نوین جهانی در چهارچوب حل مشکلات ایران و غرب هستند (مطهرنیا، روزنامه خبر ۲۵ خرداد ۱۳۹۴).

ایالات متحده آمریکا در حال بازتعریف شرکای استراتژیک خود در قالب تئوری جدیدی است که در آن کنترل چین به عنوان یکی از رقبای اصلی در قرن بیست و یکم مدنظر است. در این مسیر آمریکا شرکای استراتژیکش را از حوزه غرب به شرق سوق داده و تلاش می‌کند کانادا، ژاپن، کره جنوبی، استرالیا و ایران را در یک پیوند معنادار با یکدیگر در آینده در چهارچوب مطالعات بین‌المللی متوجه هم‌گرایی بیشتر با ایالات متحده آمریکا کند. پس به نظر می‌رسد ایران و آمریکا در چهارراه نوهارتلند مجبور به اقامت در یک هتل هستند. افرادی که آینده‌شان را به دست خود رقم نمی‌زنند؛ محکوم به آینده‌ای هستند که دیگران برایشان رقم می‌زنند، لذا جمهوری اسلامی ایران به دنبال

ایجاد یک قدرت منطقه‌ای مسلط بر دیگر اعضای منطقه نیست، بلکه به دنبال ایجاد یک توان منطقه‌ای در خدمت منطقه برای رشد همه‌جانبه منطقه در نظام بین‌الملل می‌باشد و از این جهت اعتمادافزایی بیشتر در میان دوستان و حتی رقبای منطقه‌ای به وجود بی‌آورد که در این پژوهش چگونگی و تأثیر نقش ایران بر این هم‌گرایی با ایجاد یک هژمونی مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

هژمونی به نوعی نظم بین‌المللی یا وضعیت خاصی از نظم جهانی اشاره دارد که بر مبنای انگیزه‌ها و رفتار تفوق‌جویانه و کنترل‌طلب یک دولت شکل می‌گیرد. در این شرایط، الگوی توزیع توانمندی‌ها در سطح نظام بین‌المللی بر محور مساعی آن دولت برای دستیابی به منصب قدرت غالب و بهره‌گیری از آن در مسیر مدیریت این نظم، معنا و هویت می‌یابد. در چهارچوب تحلیلی قدرت هژمون، بر مفاهیم رضایت هژمونیک و توانایی تأکید می‌شود که به پذیرش قدرت هژمون از سوی بخشی از اعضای جامعه جهانی اشاره دارد. از این زاویه، رضایت هژمونیک به نقش رضایت عمومی در پایداری رهبری دولت یاد شده و اهداف آن توجه دارد (ایوانز و نوام ۱۳۸۱: ۳۳۹، ۳۳۸).

در مسیر وحدت جهان اسلام، عوامل و زمینه‌هایی چون اشتراک‌های دینی و تمدنی، تجانس و همگونی ساختاری و کاربردی، منافع و نیازهای مشترک، وجود منابع مهم انرژی نفت و گاز و احساس تهدید مشترک وجود دارند که می‌توانند به‌عنوان زمینه و بستر اصلی هم‌گرایی، نقش ایفا کنند. نقش دخالت قدرت‌های بزرگ فرامنطقه‌ای در تشدید اختلاف‌ها و تقویت واگرایی در جهان اسلام انکارناپذیر است. اختلافات مذهبی و ایدئولوژیکی و اختلافات مرزی و ارضی نیز از اوضاع شکننده این منطقه حساس حکایت دارد.

در زمانی که هم‌گرایی منطقه‌ای و تشکیل اتحادیه‌ها و سازمان‌های منطقه‌ای، از سوی نظریه‌پردازان و مقامات کشورهای به‌طور عمده غربی به‌عنوان ضرورتی اجتناب‌ناپذیر برای مقابله با تهدیدهای اقتصادی، سیاسی، امنیتی و نظامی تلقی شده و بر این اساس تلاش‌های متعددی نیز جهت تقویت هم‌گرایی بین کشورها و تأسیس سازمان‌های منطقه‌ای (همانند

اتحادیه اروپا، نفتا<sup>۱</sup> و...) صورت گرفته است. هم‌گرایی جهان اسلام و آسیب‌شناسی آن در جهان اسلام یک الزام محسوب می‌گردد ولی نسخه‌ای که غرب برای کشورهای منطقه غرب آسیا و جهان اسلام می‌پیچید، نسخه واگرایی و تجزیه سرزمینی در قالب حمایت ظاهری و منافقانه از حقوق اقوام و اقلیت‌های مذهبی و قومی در جهان اسلام است، در چنین چرخه‌ای، باید ایران بر نقش بارزتری در هم‌گرایی بین‌امتهای کشورهای اسلامی تکیه کند که با توجه به موارد ذکرشده، در این پژوهش مؤلفه‌های تأثیرگذار در این هم‌گرایی مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

### روش پژوهش

این پژوهش مبتنی بر روش توصیفی-تحلیلی بوده و درعین حال تلاش بر این بوده تا از اطلاعات کتابخانه‌ای، از جمله منابع مهم و معتبر خارجی و داخلی مانند منابع موجود در مجلات، فصل‌نامه‌ها، سراسره‌های اینترنتی مرتبط با روابط بین‌الملل، نظام بین‌الملل، جغرافیای سیاسی ایران و تاریخ سیاسی جهان اسلام در مقاله استفاده شود. همچنین، این پژوهش از نظرهای استادان صاحب‌نظر در این حوزه برای تقویت استدلال‌های علمی بهره لازم را می‌برد.

### مبانی نظری

انقلاب اسلامی یک ایدئولوژی و اندیشه سیاسی جدید را وارد نظام بین‌الملل کرد و به یک منبع الهام‌بخشی برای ملت‌ها تبدیل شد (پیشگاهی‌فرد و رحمانی، ۱۳۹۰: ۸۱).  
گفتمان انقلاب اسلامی با ظهور خود، ساختار ژئوپلیتیکی استعمارزده و تحت حاکمیت لیبرال-دموکراسی جهان اسلام و به‌ویژه منطقه خاورمیانه را به چالش کشید و

۱. معاهده تجارت آزاد آمریکای شمالی (NAFTA) منطقه بزرگ تجاری در آمریکای شمالی را در برمی‌گیرد. معاهده نفتا در اول ژانویه ۱۹۹۴ میلادی حالت اجرایی به خود گرفت. کشورهای کانادا، مکزیک و ایالات متحده آمریکا، اعضای این معاهده را تشکیل می‌دهند.



با شعار بازگشت به اسلام و بازسازی گفتمان اسلامی، نوعی پویایی را در سطح ژئوپلیتیک منطقه به وجود آورد. اهداف کلی بیان‌شده از سوی گفتمان انقلاب اسلامی که سبب تغییر در نظم ژئوپلیتیکی در جهان اسلام و حداقل خاورمیانه شد، به این شرح هستند:

- استقرار حاکمیت اسلام و حفظ وحدت جهان اسلام.
- مبارزه با دشمنان اسلامی، استعمارگران و استثمارگران سرزمین‌های اسلامی.
- مبارزه با ظلم، سلطه و استعمار در سطح جهانی.
- کمک به نهضت‌های اسلامی، انسانی و رهایی‌بخشی در سطح جهان.
- استقرار صلح و آرامش در جهان از راه براندازی ظلم، سلطه و استعمار و غیره (فاضلی‌نیا، ۱۳۹۱، ۱۱۳).

انقلاب اسلامی ایران پس از پیروزی، با توجه به ماهیت اسلامی آن که تحقق امت واحد بر مبنای شعائر مذهبی و تقارب ایدئولوژیک فراتر از مرزهای سیاسی و فیزیکی در قالب هویت‌سازی جدید با درون‌مایه فرهنگ تشیع از اهداف آن در صحنه سیاست خارجی بوده است، بر توسعه حوزه نفوذ و گسترش علایق منطقه‌ای در مناطقی از جهان سعی داشته که زمینه‌های این هم‌گرایی در آن مناطق وجود داشته است (نصرتی، ۱۳۹۱: ۲).

جمهوری اسلامی ایران طی دهه‌های اخیر تلاش زیادی برای نقش‌آفرینی و تأثیرگذاری برای وحدت جهان اسلام به عمل آورده است، اما واقعیت این است که دول منطقه، موجودیت خود را به علت دخالت قدرت‌های بیگانه و وابستگی این دول به این قدرت‌ها؛ در مقابله با ایران تعریف نموده‌اند که تبدیل به زمینه‌ای برای تفرقه شده است. در حال حاضر تلاش‌های ایران با موانع جدی مواجه است اما در سطح گروه‌های غیردولتی و نهادهای مردم‌نهاد، موضوع وحدت موفق‌تر بوده است. بسیاری از نهادهای مردمی در جهان اسلام متأثر از تأثیرگذاری ایران بوده و هستند، اما بازیگران دولتی علاوه بر اینکه با تأثیرپذیری نهادهای مردمی، مقابله نموده‌اند؛ رویکردها و راهبردهای خود را در چهارچوب معرفی ایران به‌عنوان یک دشمن ترسیم نموده‌اند (اکرمی‌نیا، پایان‌نامه در حال دفاع محقق).

بیشترین نگاه جمهوری اسلامی ایران به سمت خاورمیانه معطوف می‌باشد؛ یکی از حوزه‌های مهم استراتژیک جهان، منطقه خلیج فارس به شمار می‌رود، در همین حال همین منطقه دستخوش بحران‌های گوناگون است. برای همه ناظران آشکار است که بخش قابل توجهی از انرژی شناخته‌شده جهان در همین منطقه قرار دارد و همین عامل کافی است که بی‌ثباتی و بحران‌های پی‌درپی این منطقه را تفسیر کند. در دوره جنگ سرد، گمان می‌رفت که کشمکش دو ابرقدرت وقت (ایالات متحده و اتحاد جماهیر شوروی) بر سر نفوذ یا حفظ نفوذ در منطقه خلیج فارس، عامل اصلی بی‌ثباتی و بحران‌های آن است، اما فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و ناکامی ابرقدرت دوره جنگ سرد در راه‌یابی به آب‌های گرم خلیج فارس و تک‌قطبی جهان نتوانست از میزان بی‌ثباتی این منطقه بکاهد، زیرا از زمان فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و پایان جنگ سرد، منطقه خلیج فارس شاهد دو جنگ ویرانگر بوده است، یکی اشغال کویت از سوی رژیم صدام حسین و جنگ ائتلاف بین‌المللی به رهبری آمریکا برای اخراج نیروهای عراقی از کویت و دیگری جنگ دامنه‌دار ائتلاف دیگری به رهبری آمریکا در سال ۲۰۰۳ میلادی برای سرنگون کردن رژیم صدام حسین؛ آثار و پیامدهای این دو جنگ همچنان بر این منطقه سایه انداخته است. بحران در روابط ایران و غرب بر سر پرونده هسته‌ای، یکی دیگر از چالش‌هایی است که منطقه خلیج فارس با آن مواجه است. (اکرمی‌نیا، ۱۳۸۴: ۳۸)

در کنار این بحران‌ها، موضوع مسابقه تسلیحاتی میان کشورهای منطقه و خریدهای نظامی چندمیلیارد دلاری سود حاصل از فروش نفت توسط کشورهای عربی منطقه طی چند دهه اخیر، شاهد شتاب شگفت‌انگیزی بوده است. ایالات متحده آمریکا به بهانه خطر عراق (دوره صدام حسین) و پس از سقوط رژیم صدام حسین، به بهانه آنچه آمریکا خطر ایران می‌نامد، درصد بالایی از درآمدهای هنگفت نفتی کشورهای عرب خلیج فارس را با گسیل سلاح‌های پیشرفته مبادله کرده و بودجه دفاعی این کشورها را صرف رونق بخشیدن به کارخانه‌های ساخت جنگ‌افزار در غرب کرده است. از این رو به نظر می‌رسد این منطقه تا اطلاع ثانوی و به معنای دقیق‌تر کلمه تا زمان مکیدن آخرین بشکه نفت خلیج فارس،

دستخوش بی‌ثباتی خواهد بود. ایران و عربستان دو بازیگر کلیدی در منطقه هستند که هم از لحاظ «ثقل جغرافیایی» و هم از لحاظ «اصول هویتی» به ایفای نقش در منطقه می‌پردازند. جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی با توجه به ظرفیت‌ها و ویژگی‌های خود، دو کشور مهم و تعیین‌کننده در منطقه محسوب می‌شوند. پیروزی انقلاب اسلامی نه تنها از اهمیت روابط دو کشور نکاست بلکه پدیده نوین انقلاب و رخدادهای متأثر از آن، به همراه تغییرات منطقه‌ای و بین‌المللی، روابط دو کشور را با حساسیت خاصی همراه کرد و به آن پیچیدگی فوق‌العاده‌ای بخشید. از همان ابتدای پیروزی انقلاب، سوءظن اعراب حوزه خلیج فارس نسبت به آنچه آن را تلاش جمهوری اسلامی برای صدور «انقلاب شیعی» و ایدئولوژی ضد غربی» می‌دانستند، در واکنش آن‌ها به جمهوری اسلامی نوپا در ایران هویدا بود. دو سال پس از پیروزی انقلاب، کشورهای مذکور با تشکیل شورای همکاری خلیج فارس به‌طور عملی در جهت مقابله و رفع نگرانی از بابت حضور یک ایران جدید در منطقه گام برداشتند. نمونه این تقابل را می‌توان در موضع‌گیری‌ها و کمک‌های مالی برخی از کشورهای عربی خلیج فارس به‌ویژه عربستان سعودی در جنگ هشت‌ساله عراق علیه ایران به رژیم صدام جست‌وجو نمود. ایران، عربستان سعودی و عراق به‌عنوان سه کشور مهم و تعیین‌کننده در منطقه خلیج فارس مطرح می‌باشند که توافق دو کشور از این سه کشور کافی است تا تأثیرگذاری لازم بر مسائل و تحولات عمده و مهم منطقه صورت گیرد، لذا با توجه به روابط بین ایران و عراق و استفاده ایران از عراق به‌عنوان ابزاری برای ارتقای نقش خود در منطقه توانسته است در این راستا گام بردارد.

فقدان وحدت در میان امت اسلامی، ثمره‌ای جز عقب‌ماندگی کشورهای اسلامی به‌رغم جغرافیا، جمعیت و امکانات عظیم آنان به همراه نداشته است. اختلافات میان مسلمانان حاصلی جز کینه و دشمنی باقی نمی‌گذارد. با وجود تفرقه، مسلمانان به‌جای پرداختن به مسائل اساسی خود از قبیل بسط اندیشه‌های بلند اسلام، حرکت در راستای برقراری عدالت اجتماعی و آزادی‌های سیاسی، تلاش برای حرکت به‌سوی توسعه و رشد اقتصادی و رفاه امت مسلمان و موضوعات مفید دیگر، به تعصبات غیر لازم و غیرمفید کشانیده شده و

انرژی و توانایی خود را در مقابل یکدیگر مصرف می‌دارند. امت اسلامی بیش از هزار سال است که اختلافات را تجربه کرده است و هیچ سودی از این تجربه حاصل نشده است؛ بنابراین، دعوت اسلام امروز این است که این بار وحدت اسلامی را حول موضوعات کلی و مشترک تجربه کنیم و ثمرات آن را بچشیم. کسی منکر این مسئله نیست که در هر دو جامعه تشیع و اهل سنت، افرادی هستند که به دلایل مختلف سخنانی را بر زبان رانده یا مکتوب می‌کنند که حاصلی جز افزایش تفرقه به همراه ندارد. اما از علما و دانایان دلسوز هر دو طرف انتظار است که ضمن پیشگیری از تداوم و تکرار این تفرقه‌افکنی‌ها از دامن زدن به اختلافات پرهیز نموده و به این ترتیب اجازه ندهند خواسته تاریخی دشمنان اسلام جامه عمل بپوشد. آن وحدتی که مسلمانان امروز بدان نیازمندند، نه وحدت در فروع فقهی است و نه وحدت در تبیین عقلانی جزئیات اصول معتقدات، بلکه وحدتی است همه‌جانبه برای تقویت جهان اسلام و خنثی‌سازی توطئه‌ها علیه اسلام می‌باشد؛ یعنی همان وحدتی که قرآن کریم<sup>۱</sup> از آن به دیوار آهنین تعبیر می‌فرماید تا در راه خدا پیکار کنند؛ این پیکار نه تنها در میدان کارزار، بلکه در تمامی صحنه‌های دانش و همکاری‌های علمی و فناوری، مبادلات اقتصادی و غیر آن باید تحقق یابد.

آنچه ایران در تعقیب اهداف و سیاست‌های منطقه‌ای و اتخاذ استراتژی‌ها در محیط پیرامونی خود باید مورد توجه قرار دهد نه تنها منافع ملی و امنیتی، بلکه درکی واقع‌بینانه از منافع ملی و امنیتی و نگرانی و حساسیت‌های سایر بازیگران اصلی منطقه‌ای به‌ویژه عربستان سعودی است. به این معنی که ایران برای حفظ دستاوردهای خود در منطقه و موقعیت کنونی‌اش نیاز دارد که از ایجاد احساس ناکامی و باخت کامل در حریف جلوگیری نماید. چراکه در غیر این صورت، بازیگران رقیبی همچون عربستان تلاش می‌کنند شرایط و ائتلاف‌های منطقه‌ای را علیه نفوذ منطقه‌ای ایران به کار بگیرند. لذا، نکته مهم برای ایران تثبیت نفوذ است که باید برای آن برنامه‌ریزی و طراحی داشته باشد و

۱. قرآن مجید ملل اسلامی را به‌سوی یگانه‌عامل وحدت، «تمسک به حبل‌الله» دعوت می‌کند. آیه ۱۰۳ سوره آل‌عمران: «واعصموا به حبل‌الله جمیعاً ولا تفرقوا».

همکاری با کشورهای مهم منطقه ضروری است. افزایش نفوذ ایران، امری تدریجی است. افزایش نفوذ در منطقه باید با ثبات و امنیت همراه گردد. برای بارور شدن آن زمینه‌های کهن فرهنگی و روانی که ملت ایران در دوران قبل از تاریخ مدرن خود از آن برخوردار بود عبارت‌اند از: نفوذ بدون عاملیت نفوذ، گسترش فرهنگی و نیز اقتصادی، بدون گسترش سیاسی؛ انواع تحرکات فرهنگی و اقتصادی و علمی و بدون لحاظ نمودن برخی از حساسیت‌های تنش‌زا نمی‌تواند موجب کاهش و تضعیف ذهنیت‌های منفی در همسایگان شود. باید پذیرفت که هرچه آرامش در فضای پیرامونی ایران بیشتر شود، نفوذ (ماهیتاً تدریجی) ایران نیز بیشتر می‌شود و در این راه، ایران باید بر اساس شرایط، در منطقه ابتکارهای جدید داشته باشد و وضعیت جدید را مدیریت نماید.

هژمونی در سیستم بین‌الملل به معنای آن است که یک قدرت، ابتکار شیوه مدیریت را در دست داشته، برتری بدون منازعه‌ای داشته، چنان در ابعاد نظامی، اقتصادی، ایدئولوژیک و سیاسی برتری داشته باشد که هیچ کشور یا گروهی از کشورها نتوانند بر آن غالب شوند. جوزف نای میزان قدرت کشور برای اعمال هژمونی را حکومت بر روابط بین کشورها می‌داند و والرشترین آن را سیستمی معرفی می‌کند که در آن رقابت بین قدرت‌های بزرگ آن‌قدر نامتوازن است که یک قدرت بتواند قوانین و خواست‌هایش را در عرصه‌های اقتصادی، سیاسی، نظامی، دیپلماتیک و حتی فرهنگی اعمال کند (کلاودس، ۱۳۸۴: ۱۴).

هژمونی هنگامی شکل می‌گیرد که یک کشور در تمامی مقوله‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و نظامی در شرایطی است که در سطحی بسیار متفاوت‌تر از دیگر قدرت‌ها قرار دارد. هژمونی تنها زمانی شکل می‌گیرد که رقابت ارزشی و یا به عبارتی تضاد ایدئولوژیک بین قدرت‌های برتر نظام وجود ندارد و یک کشور در رابطه با تمامی مقوله‌های قدرت از یک تمایز کیفی و کمی برخوردار است. کشوری در موقعیت هژمونی قرار می‌گیرد که زیربنای مستقر در آن کشور، مشروعیت جهانی می‌یابد. این بدان معنا است که ساختار اقتصادی حاکم در آن کشور در تمامی جهان مطلوب پذیرفته می‌شود و هیچ سیستم اقتصادی دیگری آن را به چالش جدی نمی‌گیرد. در کنار این تمایز، باید آگاه بود که

هژمون کشوری است که روبنای حاکم در آن کشور نیز از مقبولیت و مشروعیت جهانی برخوردار است. ارزش‌های سیاسی و فرهنگی کشور هژمون در جهان با رقابت جدی روبه‌رو نیست و مفاهیم سیاسی و الگوهای ارزشی آن کشور در جهان، مطلوبیت همه‌گیر می‌یابد.

نظام هژمونیک دارای شاخص‌های ویژه‌ای است که محقق سه شاخصه (قدرت دفاعی، قدرت بازدارندگی و قدرت فناوری) را انتخاب می‌کند و تأثیر آن‌ها بر هم‌گرایی جهان اسلام را مورد بررسی قرار خواهد داد.

هژمونی دارای چند ویژگی می‌باشد. این ویژگی‌ها عبارت‌اند از:

۱. **برتری نسبی:** یک بُعد اساسی قدرت هژمون، برتری نسبی آن در برابر سایر بازیگران بین‌المللی است. این برتری باید در عرصه‌های اقتصادی، نظامی، فرهنگی، ایدئولوژیک، اجتماعی و سیاسی ملموس و مشخص باشد. توانایی‌های نسبی کشور در شاخص‌های پیش‌گفته قابل ارزیابی و اندازه‌گیری است.

۲. **قدرت داخلی پشتیبان اعمال قدرت خارجی:** قدرت هژمون برای ایجاد نظام جهانی، معماری سیستم، حفظ و توسعه امپراتوری خود به منافع خارجی و توانایی‌های قابل اعتماد و نمایش در عرصه بین‌المللی نیاز دارد. ولی این بخش از قدرت تا توسط قدرت داخلی پشتیبانی نشود، کشور را قادر به استقرار نظام مطلوب نخواهد کرد. قدرت هژمون باید منابع انسانی و اقتصادی لازم را از محیط داخلی به صحنه بین‌المللی منتقل نماید و این مسئله نیاز به توجه افکار عمومی و محافل تأثیرگذار و وجود توان مازاد قابل انتقال دارد. معمولاً این توجیه تحت عنوان یک مفهوم مشروع از جمله مقابله با یک تهدید بزرگ، خطرناک و حتمی صورت می‌گیرد (امینان، ۱۳۸۱: ۸۴۸).

۳. **قدرت ساختاری و نهادینه‌شده:** قدرت هژمون علاوه بر برتری نسبی به توانایی و اراده ایجاد قوانین، هنجارها و روش‌های عملیاتی در ابعاد مختلف سیستم بین‌المللی نیز نیاز دارد و دیگران نیز باید این برتری را به رسمیت بشناسند و این برتری باید در چهارچوب نهادها و ساختارها با هنجارها و قوانین مصوب منعکس گردد. این قدرت ساختاری توان

تعیین شرایطی برای هژمون را فراهم می‌سازد که بر آن اساس، نیازهای خود را برآورده می‌کند و منافع خود را پی می‌گیرد. توان ایجاد و حفظ رژیم‌های همکاری و کنترل بی‌ثباتی جزو لاینفک قدرت هژمونی است (همان منبع: ۸۴۹).

هلمر معتقد است که نظام بین‌الملل آینده به دلایل زیر همچنان در برخی از ابعاد مهم به‌ناچار چندقطبی خواهد بود و در واقع به شکل هژمونی محدود یا یک هژمون با محدودیت‌های خاص خود عمل خواهد کرد:

۱- محدودیت ناشی از افکار عمومی داخلی و افکار عمومی و بازیگران خارجی.

۲- تکثر تهدیدات و بازیگران مؤثر در عرصه تهدیدزایی.

۳- ضرورت همکاری سایر دولت‌ها برای مقابله با تهدیدات جدید.

۴- ناتوانی نظامی آمریکا در برخورد ریشه‌ای با تهدیدات (Heller, 2005: 5-12) تئوری

ثبات هژمونیک، فقط یکی از رویکردهای موجود در تئوری نظم هژمونیک می‌باشد. تئوری نظم هژمونیک به دنبال توضیح این مسئله است که اشکال مختلف نظام جهانی که تنها دارای یک قدرت برتر باشد. چه هستند؟ به این ترتیب، تئوری نظم و تئوری هژمونیک در واقع سه نظریه را تحت پوشش خود دارد: تئوری ثبات هژمونیک، تئوری نظم قانونی و تئوری چرخش قدرت. نظم هژمونیک با ساختار نظام تک‌قطبی تفاوت بسیار دارد. در نظام‌های هژمونیک رابطه ضعیفی از جنس اقتدار بین قدرت هژمون که در مرکز هژمون بوده و قدرت‌های کوچک‌تر وجود دارد. نظام‌های هژمون، دولت‌محور می‌باشند. همچنین در قدرت‌های هژمون میزان وابستگی نسبت به قدرت تک‌قطبی بیشتر است.

قدرت در نظام بین‌الملل، مهم‌ترین عامل تمایز دولت‌ها است. بر این مبنای، نظام بین‌الملل از سلسله‌مراتب قدرت تشکیل شده است. قدرت و مکانیسم توزیع آن، موجب تحول موقعیت بازیگران می‌شود که نتیجه آن تحول در نظام بین‌الملل است. به عبارت دیگر کیفیت توزیع قدرت، نوع ساختار نظام بین‌الملل را مشخص می‌نماید. در نظام بین‌الملل چگونگی توزیع توانمندی‌ها در میان واحدها، عامل تمایز دولت‌هاست. همین توزیع است که مشخص می‌کند هر یک از واحدها چه جایگاهی دارند. اگر توزیع توانمندی‌ها میان دو بازیگر باشد،

نظام، دوقطبی و اگر قدرت‌های بزرگ متعددی وجود داشته باشند، نظام، چندقطبی است. دو دسته عوامل سخت‌افزاری و نرم‌افزاری در دو عرصه داخلی و خارجی، منزلت قدرتی یک دولت را در نظام بین‌الملل مشخص می‌نمایند. در گذشته ساختار نظامی - سیاسی (سخت‌افزاری) در تعیین منزلت کشورها در نظام بین‌الملل بسیار نقشه‌ساز بود. پس از آن، به ترتیب ساختار اقتصادی - فناورانه و سپس ساختار فرهنگی - ارتباطی نقش فزاینده یافت. هر یک از این تحولات، بُعدی از نقش و منزلت بازیگران را نشان می‌دهد. توانمندی بازیگران از زاویه سیاسی - نظامی به پنج دسته ابرقدرت، قدرت بزرگ، قدرت متوسط، قدرت کوچک و ریزقدرت تقسیم می‌شوند. توانمندی و حوزه فعالیت هر یک از این قدرت‌ها متفاوت است. بسته به تعداد ابزار قدرتی که بازیگران دارند، هر یک می‌توانند به قدرت چندبُعدی یا تک‌بُعدی تقسیم شوند (سیف‌زاده، ۱۳۸۱: ۷۰-۵۰).

ابرقدرت‌ها توان تغییر در نظام بین‌الملل را به‌طور مطلق دارا هستند. گستره دسترسی به قدرت آن‌ها جهانی است. همچنین از همه ابعاد قدرت نظامی، سیاسی، اقتصادی، فناورانه و فرهنگی به‌طور نسبی برخوردار هستند و در عرصه بین‌المللی مقدرات آن‌ها زیاد و محذوراتشان کم است (همان منبع: ۵۰).

با توجه با مطالب فوق، ایران باید با دستیابی به برنامه‌های افق ۲۰۲۰ میلادی با برنامه‌ریزی‌های دقیق با تشکیل یک هژمون در منطقه بتواند ضمن معرفی خود به‌عنوان قدرت برتر در منطقه به یکی از تأثیرگذارترین بازیگران بین‌الملل تبدیل شود.

### قدرت فناوری

تکنولوژی یکی از شاخصه‌های تأثیرگذار بر هم‌گرایی کشورها می‌باشد. با توجه به اینکه بشر صاحب فرهنگ است، درست همان‌طور که صاحب روح است. همه فرهنگ‌ها به‌طور پیوسته در حال تغییرند و این تغییرات، امروزه هم سریع‌تر و هم عمیق‌تر از گذشته شده‌اند. تکنولوژی نوین ارتباطی در دنیای امروز باعث تحولات عظیم و پیچیده‌ای در روابط و مناسبات انسانی و ایجاد شکل جدیدی از الگوهای ارتباطی شده و به مقوله هویت نیز



مفهوم جدیدی بخشیده است. حجم بالای اطلاعات و دانش‌های تازه به‌راحتی از طریق شبکه‌های اطلاعاتی و ارتباطی می‌تواند در اختیار افراد و سازمان‌ها در همه کشورهای جهان قرار بگیرد و شبکه‌های اطلاعاتی در دسترس همگان قرار خواهد گرفت (کميجانی: ۱۳۸۷: ۱۹).

اشاعه فناوری‌های ارتباطی، توسعه فناوری‌های اجتماعی را می‌طلبد. واژه تکنولوژی هم به روند انجام کارها و هم سیستم تحمیل اطلاق می‌شود. تکنولوژی اجتماعی به‌گونه‌ای عمل می‌کند که فعالیت مردم به تغییرات اجتناب‌ناپذیر در نظام اجتماعی منجر می‌شود. در چهارچوب دگرگونی فناورانه، مفهوم تکنولوژی اجتماعی با پذیرش یک رسانه خاص و تعبیر پیام ارسالی از طریق افراد و نظام اجتماعی مشخص می‌گردد. عرضه هر تکنولوژی جدید، تغییراتی را به دنبال دارد. شاید میزان و تأثیر دگرگونی چندان چشم‌گیر نباشد، چون در اغلب موارد تأثیر دگرگونی برای دوران فراوانی و حتی برای نسل‌ها نامحسوس باقی می‌ماند. از دیدگاه تکنولوژی اجتماعی، نیازهای کارکرد تکنولوژی، باید با الگوهای موجود کنش‌های متقابل انسانی سازگار بوده و در نظام‌های اجتماعی دارای معنی باشد. برای آنکه تغییرات فناورانه از سوی مردم کشور پذیرفته شود، باید خود را با استانداردهای سنت‌های اجتماعی آنان که به‌صورت راهنما برای پذیرش و سانسور تغییرات فناورانه، از سوی مردم و هم از سوی حکومت عمل می‌کنند، تطبیق دهد. به این ترتیب مفهوم تکنولوژی اجتماعی برای هرگونه تغییر فناورانه، جنبه حیاتی دارد (حیدری: ۱۳۸۸: ۳۸).

پیشرفت فناوری اطلاعات و ارتباطات تأثیر زیادی در فرهنگ و جوامع بشری گذاشته است. امروزه، تکنولوژی اطلاعات، خمیرمایه توسعه انسانی در سازمان و جامعه است. تکنولوژی اطلاعات به‌عنوان مجموعه افکار تولیدشده که به‌وسیله مکانیسم‌های سخت‌افزاری در اختیار افراد و سازمان‌ها قرار می‌گیرد، نقش عمده‌ای را در توسعه منابع انسانی ایفا می‌کند. استفاده از رایانه و فناوری اطلاعات، برخی از تغییرات را در سازمان‌ها ایجاد کرده است. این تغییرات در حوزه‌هایی مثل ساختار، اقتدار، قدرت، محتوای شغل، نظارت و شغل مدیران دیده می‌شود. آنچه به عصر ما ظاهری متفاوت با بقیه اعصار بخشیده، تکنولوژی است؛ تغییرات سریع و رشد فناوری‌های نوین باعث شده است تا

نگرانی عمده‌ای راجع به آمادگی انسان‌ها در تمامی جوامع و به‌خصوص نسل‌های آینده در برابر این شرایط به وجود آید. فناوری اطلاعات نقش زیادی در توسعه زمینه‌هایی از قبیل تجارت و آموزش الکترونیکی و... داشته است. تکنولوژی اطلاعات باعث کمک به توسعه فرهنگ‌ها به‌خصوص توسعه فرهنگ اسلامی در سراسر جهان شده است.

تکنولوژی اطلاعاتی شامل شبکه‌های اطلاعاتی کامپیوتری، کمیت و کیفیت اطلاعات قابل دسترسی را به شیوه‌ای انقلابی و بی‌سابقه دگرگون ساخته است. تحول مشابهی از لحاظ سرعت انجام مرادوات و بازرگانی بین‌المللی رخ داده و تکنولوژی ماهواره‌ای موجب ظهور رسانه‌های الکترونیکی در سطح جهانی شده است. در نتیجه این تحولات، فاصله مکانی و جغرافیایی معنای خود را از دست می‌دهد و حوزه عمومی مشترکی در سطح جهانی پدیدار می‌شود که همگان به نحو فزاینده‌ای به مسائل و موضوعات آن علاقه‌مند می‌شوند.

توسعه ارتباطات دیجیتالی و پیشرفت‌های فنی مرتبط با آن؛ نظیر ارتباط از طریق تلفن همراه است که ارتباطات را کم‌هزینه‌تر و قابل دسترس‌تر می‌کند. از سوی دیگر دیجیتالی کردن ارتباطات، موجب هم‌گرایی شکل‌های مختلف ارتباطی (تلگراف، تلفن، رادیو، تلویزیون، اینترنت، شبکه‌های اجتماعی و...) به وجود آمدن گروه‌های تخصصی بین‌المللی و بالاخره تأثیر آن بر فرهنگ و شیوه زندگی جوامع بشری گردید که این تکنولوژی، تولید و انتقال اطلاعات، پرورش، انباشت و بازخوانی هم‌زمان آن‌ها و انتقال اطلاعات در پهنه کنونی جهان را تقریباً به‌طور هم‌زمان و با بهایی نسبتاً ارزان فراهم نماید (مک چسنی، ۱۳۷۹: ۳۳).

تحول مشابهی از لحاظ سرعت انجام مرادوات و بازرگانی بین‌المللی رخ داده و تکنولوژی ماهواره‌ای موجب ظهور رسانه‌های الکترونیکی در سطح جهانی شده است. در نتیجه این تحولات، فاصله مکانی و جغرافیایی معنای خود را از دست می‌دهد و حوزه عمومی مشترکی در سطح جهانی پدیدار می‌شود که همگان به نحو فزاینده‌ای به مسائل و موضوعات آن علاقه‌مند می‌شوند؛ بنابراین

فرآیند در حال تکوین جهانی شدن که مارتین آلبرو<sup>۱</sup> آن را فرآیند ملحق شدن همه ساکنان سیاره زمین به جهان اجتماعی واحد می‌داند (دره‌شیری، ۱۳۸۸: ۶۳) به‌عنوان پیامد ظهور پارادایم نوین ارتباطات و هم‌به‌عنوان عامل برانگیزاننده گسترش روزافزون آن، بیشترین بازتاب‌های فضایی خود را، در عرصه اقتصاد جهانی شده بر جای می‌نهد. به‌گونه‌ای که دیویدهاروی<sup>۲</sup> عامل بنیادین فشرده و لحظه‌ای شدن جریان‌ات مالی هماهنگی بین‌المللی را ارتباطات کامپیوتر شده و الکترونیکی برمی‌شمارد (Waterz, 2001: 67).

### فناوری رسانه‌ها و جهان اسلام

کل جهان اسلام را باید در منطقه غرب آسیا و در یک حوزه دیگر در شرق آسیا مربوط به مالزی و اندونزی باید در نظر گرفت. ما تحرک رسانه خاصی را در حوزه کشورهای شرق آسیا به‌صورت مستقل نمی‌بینیم، آن‌ها هم رسانه‌هایی هستند که در خط کشورهای عربی منطقه مانند الجزیره و العربیه فعالیت می‌کنند. در قطب دیگر، شبکه‌هایی مانند المیادین در منطقه خاورمیانه نقش خوبی را ایفا می‌کنند و شبکه‌هایی مانند العالم در این زمینه فعالیت می‌کنند. در واقع این قطب در مقابل امپراتور رسانه‌های غربی است که پشتوانه خوبی برای کشورهای عربی شده و در راستای ایجاد مناقشات کمک می‌کنند تا در راستای حل آن‌ها. در سایه اختلاف‌های رو به رشد در کشورهای اسلامی که به تبعیت از دولت‌ها، رسانه‌ها نیز گرفتار آن شده‌اند، رسانه‌های غربی تحت سیطره نظام سلطه، میدان‌دار معرکه شده و هدایت و مدیریت افکار عمومی جهان علیه مسلمانان را در اختیار گرفته‌اند.

امپریالیسم خبری و ابزارهای سلطه بر افکار عمومی جهان، هم‌اکنون شریان‌های خبررسانی جهان را به دست گرفته‌اند و حتی اخبار جهان اسلام برای خود مسلمانان نه از کانال‌های خودی که از طریق بنگاه‌های خبرپراکنی غربی صورت می‌گیرد. سازمان‌های پیچیده و غول‌پیکر خبری غرب که نبض اخبار دنیا را در دست دارند به‌ظاهر به‌صورت

---

۱. Martin Albrow

۲. David Harvy

مستقل اما در باطن در راهبردی مشترک و هم‌آوا، با وارد آوردن شوک‌های خبری و ایجاد جریان‌های خبری یک‌طرفه، اساس و بنیان بسیاری از کشورها را دچار تزلزل کرده و به اختلاف‌های بین کشورهای اسلامی دامن می‌زنند.

تسلط بر رسانه‌ها و خبرگزاری‌ها، قدرت عظیم و فوق‌العاده‌ای را در اختیار بازیگران غربی صحنه سیاست قرار داده است، به گونه‌ای که آن‌ها با به‌کارگیری اهرم‌های خبری و اطلاعاتی توانسته‌اند با استبداد اطلاعاتی و با قلب واقعیت‌ها، شکل‌دهی به افکار عمومی فراملی را در اختیار گرفته و به اهداف خاص خود در دنیا، به‌ویژه جهان اسلام نایل آیند.

در جهانی که غول‌های رسانه‌ای، سیاست‌ها و خط و مشی‌های تقریباً مشابهی را در قبال حوادث جهان اسلام در پی گرفته‌اند، در کشورهای اسلامی برخی رسانه‌ها به‌عنوان ابزارهای تفرقه‌اندازی عمل کرده و در خدمت اهداف قدرت‌های سلطه‌گر قرار گرفته‌اند. ایجاد فرصت‌های جدید رسانه‌ای و گسترش فضای مجازی در جهان اسلام متأسفانه نه‌تنها در خدمت هم‌گرایی اسلامی قرار نگرفته بلکه به بروز یک بحران و هرج‌ومرج رسانه‌ای منجر شده است. در دهه اخیر ده‌ها شبکه ماهواره‌ای، خبرگزاری و رسانه مجازی با عنوان و برند اسلامی در دنیا ایجاد شده‌اند که هدف و غایت آن‌ها تخریب همدیگر و مذاهب مختلف اسلامی و دامن زدن به اختلافات می‌باشد. در چنین اوضاعی فعالیت جزیره‌ای و گاهی غیرحرفه‌ای و سنتی رسانه‌های رسمی کشورهای اسلامی ره به جایی نبرده و اگر وضع به این منوال پیش رود خسارت جبران‌ناپذیری بر بدنه جوامع اسلامی و اعتماد عمومی امت اسلامی وارد خواهد شد. جهان اسلام امروز بیش از هر چیز دیگر به یک بیانیه رسانه‌ای که متضمن استحکام وحدت، خبررسانی صحیح و ارائه چهره رحمانی از دین اسلام باشد، نیازمند می‌باشد.

اجلاس وزرای اطلاع‌رسانی کشورهای اسلامی در تهران فرصتی بود که مشکلات رسانه‌ای جهان اسلام طرح و پیشنهادها و تصمیماتی درباره هم‌گرایی و وحدت رسانه‌ای دنیای اسلامی ارائه و اتخاذ شود. انتخاب شعار «هم‌گرایی رسانه‌های کشورهای اسلامی برای آرامش و امنیت در جهان اسلام» نشان از اهداف بلند در رابطه با رسیدن به یک فضای

رسانه‌ای ایده‌آل برای جهان اسلام در آینده خواهد بود. بی‌شک این اجلاس فرصتی بود تا ظرفیت‌های ارتباطی و مدیریت هماهنگ رسانه‌ای میان کشورهای اسلامی ایجاد و زمینه ارائه چهره واقعی از اسلام را به‌عنوان دین صلح و دوستی و مهربانی در دنیا فراهم نماید. حضور وزرا و مقام‌های عالی‌رتبه ۵۷ کشور اسلامی در اجلاس تهران توانست گام نخست را در ایجاد زمینه اتحاد رسانه‌ای کشورهای اسلامی، هم‌گرایی و مهم‌تر از همه استقلال و خارج شدن آن‌ها از تأثیر و سلطه رسانه‌های سلطه‌گر غربی بردارد. چالش‌های جدی امروز جهان اسلام سبب شد که وزرای اطلاع‌رسانی کشورهای اسلامی یک‌صدا از لزوم وجود چنین همکاری رسانه‌ای سخن بگویند که چهره و هویت حقیقی اسلام را به جهانیان نشان دهد. در شرایطی که رسانه‌های غربی برخوردار از امکانات و سرمایه دولت‌های متخاصم با اسلام می‌کوشند تا وجهه این دین مروج صلح و آرامش را خدشه‌دار کنند، کشورهای اسلامی بیش‌ازپیش ضرورت وجود رسانه‌ای مشترک اما منحصر به دنیای اسلام را احساس می‌کنند. همچنین امروز که گروه‌های افراطی در اقدامی هماهنگ با رسانه‌های مروج اسلام‌هراسی می‌کوشند تا جنایات خود را به اسلام منتسب کنند، نیاز به وجود رسانه‌ای احساس می‌شود که صدای جهان اسلام باشد و با دفاع از هویت صلح‌طلب این دین، چهره‌ای واقعی از آن به نمایش گذارد.

### نظر وزرای ارتباطات جهان اسلام در خصوص نقش رسانه و هم‌گرایی جهان اسلام

همان‌گونه که «مها عقیل دبیر» اطلاع‌رسانی سازمان همکاری اسلامی با اشاره به حجم قابل توجه اخبار و تصاویری که از سوی رسانه‌های غربی با هدف مخدوش کردن چهره اسلام مخبره می‌شود، مقابله با این جریان را از وظایف مهم رسانه‌ها در کشورهای مسلمان برشمرد. «عبدالرحمان ناصر العبیدان» مشاور رسانه‌ای مؤسسه اطلاع‌رسانی قطر نیز با اشاره به این امر که رسانه‌های غربی و گروه‌های افراطی تروریستی در منطقه، ارزش‌های اسلامی را هدف گرفته‌اند، بر ضرورت راه‌اندازی شبکه ماهواره‌ای سازمان همکاری اسلامی تأکید کرد. همین ضرورت‌ها سبب شده است تا امروز راه‌اندازی شبکه ماهواره‌ای جهان اسلام که

شورای همکاری اسلامی پیگیر آن است، بیش از هر زمان دیگری اهمیت یابد. در همین راستا، «حاجیه مریم دوبرکا کامارا» معاون اول وزیر ارتباطات گینه از ضرورت تشکیل ائتلاف خبرگزاری‌های جهان اسلام به منظور تأثیرگذاری بیشتر برای بیان واقعیت‌های جهان اسلام سخن گفت. «عبدولای کولیالی» مدیر کل اطلاع‌رسانی کشور نیجر معتقد است: شبکه ماهواره‌ای جهان اسلام نه تنها برای نشان دادن هویت و ارزش‌های واقعی اسلام که برای نمایش پیشرفت‌های دنیای اسلام یک ضرورت قلمداد می‌شود. مسلمانان امروز و در شرایطی که اسلام با تهدید سیاست‌های منافقانه غرب و تبلیغات اسلام‌هراسانه آن از یک سو و فعالیت گروه‌های افراطی از سوی دیگر مواجه است، می‌تواند با اتحاد و یک سو کردن اهداف رسانه‌ای خود به مقابله برخیزند. برای رفع چهره مخدوش و نادرستی که این رسانه‌ها از اسلام حقیقی در جهان نشان داده‌اند، رسانه‌ها نقش مهمی را در شناساندن چهره واقعی اسلام به جهانیان ایفا می‌کنند و با هم‌گرایی رسانه‌ای می‌توان به این هدف رسید.

### فناوری اینترنت و جهان اسلام

مقایسه وضعیت برنامه‌ریزی و استفاده جهان اسلام در مقایسه با کشورهای حوزه اتحادیه اروپا، نشان‌دهنده فقدان درک صحیح در سازمان همکاری‌های اسلامی در برنامه‌ریزی جهت استفاده از بستر اینترنت برای پیشبرد اهداف خود و پیشرفت و توسعه در کشورهای عضو است. از سوی دیگر، مطالعه وضعیت موجود نشان می‌دهد که تاکنون هیچ نگاه جامعی در این خصوص وجود نداشته که نتیجه آن، چیزی جز از دست رفتن فرصت‌ها و روبه‌رو شدن با مشکلات عدیده، از جمله تروریسم سایبری و عدم توازن در توسعه کشورهای اسلامی در مقابل سایر کشورها، نخواهد بود. اینترنت در جهان اسلام، مقوله‌ای است که تاکنون کمتر به آن پرداخته شده و در برنامه‌ریزی‌های کشورهای اسلامی کمتر مدنظر قرار گرفته است؛ اما با نگاهی گذرا می‌توان عوامل متعددی را در اهمیت این مسئله ذکر نمود؛ عواملی نظیر تعداد بسیار زیاد مسلمانان و تنوع قومیت‌ها و زبان و پراکندگی بلاد اسلامی در چهار قاره جهان و نیاز روزافزون این جامعه بزرگ جهانی به برقراری ارتباطات پایدار و بسترهای مناسب

استفاده اقتصادی، اجتماعی، علمی و انتقال تجربیات، دلایل محکمی در اهمیت پرداختن به موضوع استفاده از بستر اینترنت جهت پیشبرد اهداف امت اسلامی و رسیدن به وحدت اسلامی و هم‌گرایی است. هم‌گرایی در شکل دادن جامعه اسلامی به اینترنت اسلامی، تنها وابسته به برنامه‌ریزی مسئولان کشورهای اسلامی نیست و نخبگان مسلمان می‌توانند نقش بسیار مؤثر و پیش‌برنده‌ای را در این زمینه ایفا نمایند

### قدرت بازدارندگی

از نظر تاریخی، بازدارندگی تنها به دوران پس از جنگ جهانی دوم مربوط نمی‌شود و قدمتی به طول پیدایش دولت دارد، اما نکته اساسی این است که این نظریه با چنین سابقه‌ای هیچ‌گاه ضمانت اجرایی چندانی نداشته است. طبق تعریف، بازدارندگی عبارت است از: اقدام یا مجموعه‌ای از اقدامات که برای پیشگیری از اقدام خصمانه دشمن صورت می‌گیرد. داشتن یک هژمونی و قدرت نفوذ در سطح منطقه می‌تواند قدرت بازدارندگی را برای ایران در پی داشته باشد. در دنیای اسلام قطب‌های قدرت متعددی وجود دارد که دارای وزن ژئوپلیتیک به نسبت یکسانی بوده و برتری دیگر قطب‌ها را برنتابیده و با همدیگر رقابت می‌کنند و یکدیگر را به چالش می‌کشند. به‌عنوان نمونه می‌توان به کشورهایمانند ایران، عربستان، مصر، پاکستان، ترکیه، قزاقستان، ازبکستان، اندونزی، مالزی و... اشاره کرد که هرکدام خود را برتر دانسته و برای خود، حوزه‌های نفوذی قائل هستند که در حوزه نفوذ سایر کشورها تداخل دارد. این امر ازجمله دلایل عدم شکل‌گیری هم‌گرایی‌های منطقه‌ای و وحدت کشورهای مسلمان می‌باشد (حافظ‌نیا: ۱۳۸۱: ۱۶۶).

کشورها در عرصه سیاست خارجی با تکیه بر واقعیت‌های فضای جغرافیایی خود و نیز جایگاهی که در صحنه بازیگری در فضاها منطقه‌ای و جهانی دارند و نیز فرصت‌ها و محدودیت‌هایی که ناشی از واقعیت‌های ژئوپلیتیک آن‌هاست، رفتارهای متفاوتی را بروز می‌دهند. بنابراین رفتارهای بازیگران در سطح بین‌المللی و سیاست خارجی ریشه ژئوپلیتیکی دارد (افضلی: ۱۳۹۱: ۶۱).

بین وزن ژئوپلیتیک کشورها و قدرت ملی و حوزه نفوذ کشورها رابطه وجود دارد. بدین صورت که وزن ژئوپلیتیک یک کشور، مشخص کننده موقعیت قدرت ملی و منزلت ژئوپلیتیکی آن کشور در مجموعه‌ای از کشورها و جهان است. همچنین وزن و منزلت ژئوپلیتیک بر استراتژی ملی یک کشور در منطقه و جهان اثر می‌گذارد و حوزه نفوذ کشور را در آن مشخص می‌کند (حافظ‌نیا: ۱۳۷۹: ۲۱۱).

راهکارهای ژئوپلیتیک، ژئواکونومیک مبتنی بر قدرت نرم، مانند توسل به دیپلماسی میانجی‌گری، استفاده از راهبردهای اقتصاد سیاسی بین‌الملل، دیپلماسی رسانه‌ای، ورزشی، مذهبی، تنش‌زدایی با کشورهای همسایه و نیز میزبانی از اجلاس‌های علمی و سیاسی که با پشتوانه منابع مالی گسترده حاصل از ثروت‌های طبیعی و سرمایه‌گذاری‌های خارجی اتخاذ شده‌اند، از عوامل بسترساز هم‌گرایی ایجاد قدرت بازدارندگی توسط کشورها محسوب می‌شوند.

### بازدارندگی متعارف

عبارت است از اقدام یا مجموعه‌ای از اقدامات که برای پیشگیری از اقدام خصمانه با استفاده از روش‌های متداول جنگ مورد پذیرش توافق ژنو باشد.

### بازدارندگی غیرمتعارف

عبارت از اقدام یا مجموعه‌ای از اقدامات برای پیشگیری از اقدام خصمانه با استفاده از وسایل و تجهیزات غیرمتعارف همچون استفاده از قدرت هسته‌ای (واقعه هیروشیما و ناکازاکی در ژاپن توسط آمریکا) و استفاده از قدرت شیمیایی (استفاده نیروهای عراقی در جنگ هشت‌ساله علیه ایران در حلبچه و سردشت) است.

### قدرت دفاعی

در استراتژی کلان، امنیت جهان اسلام یکی از اصول بنیادی این هژمون می‌باشد که التزام داشتن قدرت دفاعی را عیان می‌سازد. علاوه بر زمینه‌های تحولات تاریخی حوزه اقتصاد



سیاسی، این واقعیت عینی در امور جهان نیز وجود دارد که قدرت نظامی و سیاسی هر کشور در سطح بین‌المللی تا حد زیادی وابسته به توان اقتصادی آن است (لارسون و اسکیدمور، ۱۳۷۶: ۱۱).

در عرصه بین‌الملل، همچنان اصل قدرت به‌عنوان محرک و جهت‌دهنده اصلی سیاست خارجی دولت‌ها عمل می‌کند.

کشورهای اسلامی به‌واسطه داشتن موقعیت‌های راهبردی و واقع شدن در مناطق ژئواستراتژیکی و ژئوپلیتیکی جهان، پیوسته دارای فرصت‌ها و مزیت‌هایی همراه با تهدیدها و آسیب‌پذیری‌های اجتناب‌ناپذیر و غیرارادی می‌باشد. دارا بودن ویژگی و امتیاز موقعیتی، یعنی داشتن موقعیت بری بحری؛ دارا بودن سواحل طولانی و در اختیار داشتن تنگه‌های راهبردی، باعث شده است که جهان اسلام در مبادلات جهانی منطقه‌ای تأثیرگذار باشد. داشتن چنین موقعیتی، نوعی از درهم‌تنیدگی عناصر امنیت‌ساز انرژی، اقتصاد، جغرافیا و مسیرهای ترانزیت آن را به وجود آورده است. از این موهبت الهی بایستی در مسیر هم‌گرایی جهان اسلام، بهره‌گرفت و امنیت بین‌المللی را به امنیت جهان اسلام گره زد و نوعی پیوستگی بین این دو برقرار کرد؛ چراکه با پذیرش این راهبرد اساسی، امنیت جهان اسلام را باید امنیت نظام بین‌الملل فرض کرد، هرگونه عدم تعادلی در برقراری عناصر یادشده می‌تواند سیستم امنیت بین‌المللی و زیرمجموعه‌های آن را از حالت تعادل خارج کند و جهان را با نوعی بحران مهارنشدنی مواجه نماید (اطاعت، ۱۳۸۹: ۳۸).

ایران با داشتن یک هژمونی و قدرت دفاعی خوب در سطح منطقه می‌تواند قدرت دفاعی را برای جهان اسلام در پی داشته باشد که امنیت را برای جهان اسلام فراهم می‌نماید. پیشرفت‌های ایران در مقوله موشک‌های قاره‌پیما، خود سندی است بر بالا بردن توان دفاعی ایران در برابر تهدیدات فرامنطقه‌ای که در سطح منطقه کفه را به سود ایران پایین آورده و امنیت ایران و منطقه را در برداشته است. نظریه پردازان روابط بین‌الملل، در تحلیل سیستم بین‌الملل از زوایای مختلفی وارد شده‌اند. برای مثال، کنت والتس<sup>۱</sup> در تحلیل

۱. Kenneth N. Waltz,

ماهیت سیستم بین‌المللی به بُعد امنیتی آن محوریت داده و آن را به ساختار آنارشی سیستم بین‌الملل نسبت می‌دهد (قنبرلو، فصل‌نامه راهبردی: ش ۴۶).

### تجزیه و تحلیل

نظام بین‌الملل در حال گذار می‌باشد و هژمونیک نظام بین‌الملل با تأثیرگذاری کارکردهای خود در هم‌گرایی جهان اسلام مؤثر می‌باشد. هژمونی نظام بین‌الملل با برتری داشتن از نظر قدرت و داشتن هژمون قوی، بیانگر تفوق و برتری بر سایر بازیگران بین‌الملل خواهد بود و از ویژگی‌های هژمون قدرتمند، توان ایجاد و حفظ رژیم‌های همکاری و کنترل بی‌ثباتی در کشورها خواهد بود. به همین دلیل هر دولتی که قدرتمندتر باشد، هژمون متمایزتری نسبت به سایر قدرت‌ها خواهد داشت. مقررات و روابط اقتصادی و سیاسی کشورها که دو مؤلفه از قدرت هژمون می‌باشند؛ تابعی از هژمونی نظام بین‌الملل هستند. اگر اتحادها و ائتلاف جهان سوم به‌خوبی شکل گیرد، اهداف سیطره و هژمونی نظام بین‌الملل کم‌اثر خواهد شد و این امر بر تقویت هم‌گرایی جهان اسلام خواهد افزود. ایران با بالا بردن توان اقتصادی و استفاده از دیپلماسی موفق در تقویت نمودن دو مؤلفه قدرت هژمون در رسیدن به یک کشور قدرتمند جهت ایجاد هژمون می‌تواند گام‌های مؤثر بردارد.

لزوم وجود همکاری رسانه‌ای که چهره و هویت حقیقی اسلام را به جهانیان نشان دهد، به‌خاطر وجود چالش‌های پیش‌رو امری ضروری به نظر می‌رسد. برای آگاه ساختن مردم مسلمان کشورهای جهان اسلام، تشکیل خبرگزاری مشترک کشورهای اسلامی یا پایه‌گذاری اتحادیه رادیو و تلویزیون‌های اسلامی برای دولت‌مردان خود تکلیف و همچنین این امر برای سازمان همکاری کشورهای اسلامی به‌عنوان یک امر اجتناب‌ناپذیر به نظر می‌رسد. برای ایجاد یک فضای امنیتی مناسب و ایجاد فضای آرامش‌بخش اجتماعی جهت شهروندان کشورهای اسلامی، هم‌گرایی رسانه‌ای از ملزومات ایجاد هم‌گرایی جهان اسلام خواهد بود. ایجاد یک شبکه ماهواره‌ای برای جهان اسلام جهت نشان دادن پیشرفت‌های علمی و شناساندن جهان اسلام به سایر ملل، یکی از راهکارهایی خواهد بود که در

هم‌گرایی جهان اسلام مؤثر خواهد بود. همچنین به دلیل عدم توجه سازمان همکاری‌های اسلامی، تاکنون جهان اسلام نتوانسته است بسترهای مناسبی برای استفاده از اینترنت را برای کشورهای عضو فراهم نماید و همین امر باعث شده تا در برخی از کشورها، بسترهای رشد و توسعه فراهم نگردد و با توجه به مطالب فوق عدم وجود رسانه‌ای مشترک اما منحصر به دنیای اسلام و کاملاً مستقل و با پشتیبانی کشورهای اسلامی و بسترسازی زیرساخت اینترنت برای جهان اسلام کاملاً مشهود می‌باشد.

جهان اسلام به‌خاطر دارا بودن ویژگی و امتیاز موقعیتی خاص بری بحری؛ دارا بودن سواحل طولانی و در اختیار داشتن تنگه‌های راهبردی، می‌تواند در بازی‌های بین‌المللی بازیگر بسیار تأثیرگذاری باشد و از این امتیازات بهترین استفاده را در نزدیک کردن کشورهای جهان اسلام به یکدیگر ببرد. تعدادی از صاحب‌نظران نیز تأثیر هژمونیک نظام بین‌الملل را بر هم‌گرایی جهان اسلام کم می‌دانند ولی ابزارها و شاخص‌های هژمونیک از قبیل رسانه، اینترنت، سینما، قدرت بازدارندگی و... را بر هم‌گرایی جهان اسلام بسیار تأثیرگذار می‌دانند. برآیند داده‌های جمع‌آوری‌شده از اظهارنظر صاحب‌نظران و مطالعه اسناد و مدارک و پاسخ جامعه آماری به سمت ایجاد هم‌گرایی در جهان اسلام می‌باشد.

کشورهای اسلامی جدای از تأثیرگذاری عوامل فرامنطقه‌ای، اگر مبنای شناخت و اعتماد به یکدیگر را در چهارچوب الگوهای اجتماعی و فرهنگی تعریف کنند؛ دوستی و ارتباط میان آن‌ها افزایش می‌یابد، چون اشتراکات فرهنگی و مذهبی بین این کشورها بالاست. در آن صورت است که اعتماد و اطمینان میان آن‌ها به حدی می‌گردد که هیچ‌یک برای حل مناقشات به استفاده از زور متوسل نمی‌گردد.

پس از ناکامی آمریکا در سلطه بر جهان اسلام در پی حمله به افغانستان و عراق، دکترین این کشور در مواجهه با جهان اسلام بر دامن زدن به جنگ‌های فرقه‌ای متمرکز شد که ظهور گروه‌های قدرتمند تروریستی؛ نظیر داعش محصول آن است. با توجه به برهم خوردن آرایش قدرت‌های جهان و بروز یک قدرت نو در منطقه به‌نام جمهوری اسلامی ایران، جهان اسلام ظرفیت‌های بالقوه‌ای را برای تبدیل شدن به یک قدرت برتر پیدا نمود،

اما تحرکات این گروه‌ها تأثیر منفی در جایگاه اسلام در جهان داشت، به گونه‌ای که روند اسلام‌هراسی در کشورهای اروپایی و آمریکایی، محدودیت‌های زیادی را برای مسلمانان ایجاد کرده است.

مفهوم هم‌گرایی جهان اسلام، همواره یکی از مباحث محوری عرصه روابط بین‌الملل بوده و مبانی اتحاد اسلامی در قالب مفاهیم و نظریه‌های نوین هم‌گرایی در ادبیات علوم سیاسی و روابط بین‌الملل از مباحث آینده‌پژوهی و چشم‌انداز این جهان می‌باشد. موقعیت‌های راهبردی و واقع‌شدن در مناطق ژئواستراتژیکی و ژئوپلیتیکی جهان، جهان اسلام را پیوسته دارای فرصت‌ها و مزیت‌هایی همراه با تهدیدها و آسیب‌پذیری‌هایی نموده است. در رابطه با موقعیت جغرافیایی، می‌توان به جغرافیای طبیعی، انسانی و سیاسی اشاره کرد. همچنین در رابطه با جغرافیای انسانی جهان اسلام، می‌توان به جمعیت، نژاد، اقوام، زبان، مذهب و... پرداخت و در رابطه با موقعیت ژئوپلیتیکی برتر جهان اسلام و ژئواستراتژیکی، می‌توان به نقش ژئواکونومیک و ژئوکالچر این منطقه توجه داشت. از نظر سیاسی، جهان اسلام می‌تواند برای خود نقش یک قدرت منطقه‌ای را تعریف کرده و به این ترتیب، زمینه‌ای را فراهم آورد که منافع کلیه کشورهای اسلامی را تأمین نماید که این امر با ایجاد یک هژمونی منطقه‌ای در جهان اسلام میسر می‌گردد.

فناوری در کشورهای اسلامی و جهان اسلام نیز می‌تواند تأثیرگذار باشد و شاید بتواند راه‌حلی را در بسیاری از مشکلات جهان اسلام اعم از وابستگی، توسعه‌نیافتگی، محرومیت، ضعف مشارکت و همکاری‌های بین‌المللی به‌طور مستقیم و غیرمستقیم ارائه نماید. گسترش ارتباطات جهانی به‌واسطه پیشرفت‌های فنی و فناورانه، افزایش اهمیت نهادهای سیاسی، اقتصادی و تجاری بین‌المللی، پیدایش سازمان‌های صنعتی به‌عنوان اجزای فرآیند همگرایی و جهانی شدن جهان اسلام می‌باشد و درنهایت اقتداری جدید در سطح جهانی و بین‌المللی تکوین خواهد یافت. خصوصیت فناوری اطلاعات مانند سرعت، دقت، فرازمانی و فرامکانی بودن با تلفیق ارزش‌ها و فرهنگ غنی اسلام می‌تواند موجب پایداری، تداوم و استحکام هم‌گرایی بین کشورهای جهان اسلام گردد.

بروز هرگونه ناامنی و بی‌ثباتی در میان کشورهای جهان اسلام، برای کلیه بازیگران منطقه هزینه‌های زیادی را در پی خواهد داشت. به همین دلیل تمامی بازیگران سعی خواهند کرد تا به‌نوعی از زمینه‌های بروز تنش که می‌توانند ریشه‌های امنیتی، سیاسی، اقتصادی یا فرهنگی داشته باشند، جلوگیری کنند. به‌عبارت‌دیگر حرکت به‌سوی همکاری‌های سازنده و یا حتی رقابت سازنده باید جایگزین زمینه‌های بی‌اعتمادی و تضاد در روابط کشورهای مسلمان گردد که خود عامل بازدارندگی در این منطقه خواهد بود.

### نتیجه تحقیق

آنچه مطلوب ایران است داشتن یک استقلال به معنای حقیقی کلمه در بافت موقعیتی ناشی از تغییر و تحول نظام بین‌الملل است و ایران باید سیاست‌های بین‌المللی و پس از آن سیاست خارجی خود را در قالب محتواسازی‌های جدید ناشی از بافت کنونی نظام بین‌الملل طوری قرار بدهد تا بتواند ضمن بهتر بهره‌برداری نمودن از وضعیت ممکن با استفاده از فناوری اطلاعات و هژمونی خود شرایط را نیز برای برتری جستن و تفوق بر منطقه به‌خصوص بر خاورمیانه بزرگ فراهم نماید.

ایران در کانون و مرکز ثقل جغرافیای شیعیان است. از این رو، می‌تواند و باید این قلمرو را رهبری نماید که در این صورت، موفق به برهم زدن موازنه ژئواستراتژیک و ژئوپلیتیک خاورمیانه می‌شود، به‌گونه‌ای که علاوه بر محوریت جهان تشیع، موقعیت محوری در جهان اسلام نیز خواهد یافت. ایران با بهره‌گیری از مؤلفه‌های تأثیرگذاری همچون وحدت کلمه، دشمن مشترک، آرمان مشترک، استقلال و نفی وابستگی، مردم‌گرایی و مقاومت در جنگ هشت‌ساله، تبدیل به الگو شده و زمینه هم‌گرایی بیشتر با ملت‌های مسلمان شرق مدیترانه را فراهم ساخته است که این منجر به ایجاد یک قلمرو فضایی با مرکزیت ایران خواهد شد. در این زمینه، جنبش‌های اسلامی این حوزه می‌توانند به‌عنوان ابزار راهبردی قلمروساز و شاخک‌های عملیاتی مؤثر برای ایران ایفای نقش نمایند. شرق مدیترانه نقطه تحقق اهداف راهبردی ایران است؛ بنابراین، برای نیل به اهداف مورد نظر، مهم‌ترین شیوه عملی و مؤثر،

تعریف حوزه نفوذ و قلمرو مطمئن در این حوزه با اهداف بلندمدت است. در این زمینه، مهم‌ترین الزامات فضایی ایران به‌منظور تدوین الگوی امنیتی، مبتنی بر عوامل راهبردی، عمق بخشیدن به عوامل، فضاها و نقاط راهبردی در حوزه‌های پیرامونی است. به‌طور کلی، قلمروخواهی ایران در شرق مدیترانه باید مبنای ایدئولوژیک داشته باشد تا تحرکات و ایفای نقش ایران در این حوزه، جایگاه ایران را به‌عنوان محور ژئوپلیتیک شیعه ارتقا داده، به رفع تهدیدهای منطقه‌ای منجر گردد که این امر به افزایش قدرت منطقه‌ای آن می‌انجامد. استفاده از فناوری اطلاعات در تمام ابعاد زندگی به‌طور بی‌سابقه‌ای سبب شده که

زندگی در قرن بیست و یکم بدون استفاده از فناوری اطلاعات بسیار دشوار شود. بدون شک روند جهانی‌شدن بر پایه تحولات تکنولوژی بنا شده است. طی چند دهه اخیر عمق و گسترش این تحولات چنان بوده است که فناوری و نظم تولید و مدیریت جهان را وارد پارادایم جدیدی کرده است. افزایش تصاعدی سرعت حمل‌ونقل، افزایش بی‌نظیر سرعت گردش و پردازش اطلاعات همراه با کاهش چشمگیر هزینه این امور از ویژگی‌های برجسته عصر جدید است. حضور چشمگیر کشورهای اسلامی در فرایند جهانی‌شدن، در سایه کسب دانش به‌روزشده حاصل می‌گردد. کاربرد ارتباطات فناوری اطلاعات ابعاد بسیار متنوع و خوبی را به خود اختصاص می‌دهد. از مواردی که در جهت هم‌گرایی جهان اسلام می‌تواند بهره‌برد، آموزش الکترونیک و مجازی، تجارت الکترونیک، اقتصاد دیجیتال، بانکداری دیجیتالی و الکترونیک، پزشکی از راه دور و بهداشت الکترونیکی، تسهیل در کشاورزی، صنعت و خدمات الکترونیکی، ارتباطات اجتماعی سیاسی الکترونیکی و... می‌باشد که ایران با توجه به سند چشم‌انداز ۲۰ ساله، باید خود را در منطقه به جایگاه مورد نظر برساند.

توجه به ظرفیت‌های نهفته در جهان اسلام، زمینه اتصال سرنوشت کشورهای اسلامی به یکدیگر را مهیا می‌کند. اتصال سرنوشت کشورهای اسلامی به یکدیگر، مزیت‌های نسبی، فرصت‌ها و افق‌های روشنی را به‌منظور رشد، توسعه و اقتدار هر یک از این کشورها و در نتیجه اعتلای جهان اسلامی در پی خواهد داشت.

از مطالب گفته شده فوق چنین برمی‌آید که ایران اسلامی به‌عنوان یک بازیگر مطرح در منطقه می‌تواند به‌خوبی نقش‌آفرینی کند و با استفاده از پهنه جغرافیایی و نقاط ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژیکی که از آن برخوردار بوده، با ایجاد یک هژمونی مؤثر در منطقه با استفاده از کلیه امکانات بالقوه و بالفعل کشورهای جهان اسلام و با یک تدبیر خردمندانه از سوی دولت‌مردان این کشورها، جهت نیل به یک اتحاد سیاسی، اقتصادی و فرهنگی عملی دست یابد، از سوی دیگر چون برخی از کشورهای بزرگ و معادله‌ساز در این منطقه به علت ایفای نقش در نظام بین‌الملل، به اختلافات موجود در منطقه دامن زده‌اند و همیشه در راستای تأمین منافع خود کوشیده‌اند، بدیهی است که هم‌گرایی جهان اسلام بدون در نظر گرفتن شاخصه‌های تأثیرگذار بر این هم‌گرایی همچون پیشرفت فناوری‌های ارتباطی، اطلاعات‌گرایی و رشد این فناوری‌ها و با در نظر گرفتن حوزه‌های نفوذ که قدرت بازدارندگی را در پی داشته و همچنین استراتژی کلان امنیت جهان اسلام که یکی از اصول بنیادی این هژمون می‌باشد و التزام داشتن قدرت دفاعی را عیان می‌سازد، میسر نخواهد شد. به نظر می‌رسد با استفاده از نوآوری‌های گسترده در زمینه‌های حمل‌ونقل، ارتباطات و داده‌پردازی اطلاعات، استفاده از بسترهای موجود در فناوری و بهره‌جستن از فضای سایبر، استفاده از قدرت ژئوکالچر و ژئواکونومیکی برتر منطقه (نفت، گاز، مبادلات اقتصادی و استفاده از بسترهای ترانزیت انرژی و کالا) می‌توان به گام‌های مؤثری در برقراری هم‌گرایی و درنهایت رسیدن به یک هژمونی قدرتمند در منطقه دست یافت. اکنون و با توجه به پیامدهای منفی اقدامات تکفیری در وهن جهان اسلام، بستر مناسبی برای تحقق وحدت و هم‌گرایی اسلام و مسلمانان ایجاد شده است که ضرورت برنامه‌ریزی و عملکرد هوشمندانه مسئولان، علما و دست‌اندرکاران جهان اسلام و به‌ویژه نظام جمهوری اسلامی را می‌طلبد.

همان‌گونه که یافته‌های این پژوهش نشان داد، بعضی از دلایل نبود هم‌گرایی منطقه‌ای کشورهای اسلامی منطقه عبارت‌اند از: حضور و دخالت قدرت‌های فرامنطقه‌ای، رقابت تسلیحاتی، دیدگاه‌های امنیتی متفاوت و گاهی متضاد، نبود اعتماد جمعی، اختلاف‌های ارضی و مرزی، نبود دیدگاه‌ها و هنجارهای مشترک و اختلاف‌های قومی و فرهنگی موجود

در منطقه؛ اما از آنجاکه قرن بیست و یکم را قرن هم‌گرایی دوباره منطقه‌ای توسط دولت‌ها، با توجه به مزیت‌ها و تجربه‌های حاصل از این هم‌گرایی‌ها در جهان، می‌دانند، به نظر می‌رسد کشورهای موصوف نیز به‌رغم داشتن مؤلفه‌های واگرایی، ویژگی‌های قابل توجهی نیز دارند که در صورت مدیریت و تمرکز بر روی آن‌ها می‌توان در آینده شاهد نوعی هم‌گرایی منطقه‌ای بین کشورهای منطقه و شکل‌گیری ترتیب‌هایی بر مبنای ساخت منطقه‌ای بود. بعضی از مؤلفه‌های زمینه‌ساز هم‌گرایی عبارت‌اند از: قلمرو جغرافیایی مشترک و موقعیت همسایگی، دین اسلام و ارزش‌های فرهنگی مشترک، منابع نفت و گاز مشترک و سیاست‌گذاری هماهنگ در خصوص آن، ژئوپلیتیک مشترک و ضرورت برنامه‌ریزی درباره آن، موضوع‌های مشترکی نظیر مسائل زیست‌محیطی، گردشگری، مواد مخدر، بحران آب و همکاری‌های مشترک در زمینه کشاورزی و رسانه مشترک.

امروزه شناخت و تحلیل مناسب از وضعیت سیاسی و جغرافیایی می‌تواند تثبیت‌کننده منافع کشورها باشد، زیرا دیگر چون گذشته گسترش قلمرو، ملاک برتری نیست. با تجزیه و تحلیل اوضاع کشورها در جهان اسلام که در این تحقیق صورت پذیرفت، آنچه به نظر می‌رسد آن است که کلیت جهان اسلام را نمی‌توان به‌منزله یک منطقه جغرافیایی تقسیم‌بندی و سازوکارهای نیل به سمت منطقه ژئوپلیتیک را اعمال نمود. ناهمگونی جغرافیایی از جمله دلایل این عدم تقسیم‌بندی کلی محسوب می‌شود، آنچه در این میان قابل توجه است تأکید بر اصلاح ساختارهای موجود و شناسایی اهداف اشتراکی جدید است که بتواند منافع ملی هریک از این کشورها را تأمین نماید؛ در واقع ایجاد هم‌گرایی‌های جدید است که نه فقط با دیدگاه سیاسی بلکه با دیدگاه اقتصادی قابل توجیه می‌شود.

توجه رهبران مذهبی و درک متقابل گروه‌های فکری در جهان اسلام و نزدیک‌تر کردن برداشت‌های فقهی و ایدئولوژیک از متون مشترک موجود در دانشگاه‌های کشورهای اسلامی و تبیین مبانی توسعه و تعاملات فرهنگی و فراهم نمودن زمینه گسترش ارتباطات و ایجاد شبکه اینترنت، ماهواره مشترک و رسانه مشترک برای افزایش آگاهی مسلمانان، به عبارتی بسترسازی برای درک تهدید مشترک و تدوین و اجرای برنامه‌های فراگیر تبلیغاتی



برای برجسته‌سازی هویت و نقش دولت‌های مداخله‌گر و سلطه‌طلب فرامنطقه‌ای در امور جهان اسلام با ایجاد و گسترش نهادهای مشترک بین‌المللی اسلامی در حوزه‌های کارکردی اقتصادی، علمی، فنی، ارتباطی، سیاسی و نظامی است.

بدون شک، برطرف کردن موانع وحدت و هم‌گرایی و یا کم کردن نقش و اهمیت آن‌ها، نیازمند انجام مطالعات جامع و علمی از سوی اندیشمندان جهان اسلام و تدوین استراتژی‌های دقیق و واقع‌بینانه است که البته این امر با حمایت‌های مادی و معنوی سازمان‌ها و نهادهای مسئول همچون سازمان کنفرانس اسلامی، تقریب مذاهب و ... زودتر به سرانجام خواهد رسید. امید است جهان اسلام بتواند در قرن بیست‌ویک با کنار گذاشتن کشمکش‌های قومی و مذهبی، استفاده از کلیه ابزارهای یادشده و قرار گرفتن در زیر بیرق لاله‌الاله، یک منظومه قدرت از شش منظومه قدرت بوده و ایران به‌عنوان پرچم‌دار این هژمون باشد.

## فهرست منابع و مآخذ

### الف. منابع فارسی

- قرآن کریم.
- اطاعت، جواد، (۱۳۸۹)، سیاست جغرافیایی - ایران، دانشگاه شهید بهشتی، نشر علم.
- اکرمی نیا، محمد، پایان نامه در حال دفاع محقق.
- اکرمی نیا، محمد، (۱۳۸۹)، ژئوپلیتیک عراق جدید و تأثیر آن بر هم گرایی با ایران.
- جمعی نویسندگان، (۱۳۸۹)، برخورد تمدن‌ها و پیامد آن برای ایران، در نظریه برخورد تمدن‌ها، تهران: انتشارات دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه.
- حافظ‌نیا، محمدرضا، (۱۳۸۸)، جزوه درسی دوره کارشناسی ارشد درس نظریه‌ها و مفاهیم ژئوپلیتیک، تهران: دانشگاه تربیت مدرس.
- حافظ‌نیا محمدرضا، (۱۳۹۰)، اندیشه‌های ژئوپلیتیک در قرن بیستم، انتشارات دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه.
- حافظ‌نیا، محمدرضا، (۱۳۹۲)، نظریه برخورد تمدن‌ها، تهران: انتشارات دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه.
- حیدرزادگان، علی‌رضا، (۱۳۸۹)، اسلام؛ جهانی‌شدن و چالش‌های روبه‌رو.
- رضایی علی‌رضا، چین و موازنه نرم در برابر هژمون ایالات متحده آمریکا در عرصه نظام بین‌الملل، فصلنامه راهبرد توسعه، ش ۱۶.
- دادس، کلاوس، (۱۳۸۴)، ژئوپلیتیک در جهان متغیر، ترجمه زهرا احمدی‌پور و عطاء‌الله عبدی، تهران: بلاغ دانش.
- دره‌شیری میرحیدر، (۱۳۸۸)، جغرافیای سیاسی خاورمیانه و شمال آفریقا، چاپ هیجدهم، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌الملل.
- سیف‌زاده، حسین، (۱۳۸۸)، نظریه‌های روابط بین‌الملل: قالب‌ها و مبانی فکری، چاپ ششم، تهران: سمت.
- شیخ حسینی، محمد و صنیع اجلال، مریم، (۱۳۹۱)، هم‌گرایی جهان اسلام و آینده تمدنی اسلام.
- صدوق چینی، حسن، (۱۳۸۹)، کلیدهای ژئوپلیتیک، تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
- طیب، علی‌رضا، (۱۳۸۸)، چهارچوبی بر تحلیل امنیت؛ پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- فاضلی‌نیا، نفیسه، (۱۳۹۱)، ژئوپلیتیک شیعه و نگرانی غرب از انقلاب اسلامی.
- عزتی، عزت‌الله، (۱۳۹۰)، ژئوپلیتیک در قرن بیست و یکم، انتشارات سمت.

- عزتی، عزت‌الله، (۱۳۸۸)، جغرافیای سیاسی و سیاست جغرافیایی، تهران: سمت.
- فرشچی، علی‌رضا و رهنما، حمیدرضا، (۱۳۹۰)، ژئوپلیتیک فراگیر، چاپ اول، تهران: دوره عالی جنگ دانشکده فرماندهی و ستاد سپاه.
- کاظمی‌دینان، سید مرتضی، (۱۳۹۲)، مرکز مطالعات استراتژیک خاورمیانه.
- کمپجانی، اکبر و محمودزاده، محمود، (۱۳۸۷)، اثرات زیرساخت کاربری و سرریز فناوری اطلاعات و ارتباطات بر رشد کشورهای درحال توسعه، پژوهش‌های بازرگانی.
- نفت و معمای امنیت در خاورمیانه فصلنامه راهبرد دفاعی، سال سوم، تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک دفاعی.
- مشیرزاده، حمیرا و شریفی، حسین، (۱۳۸۹)، فرهنگ روابط بین‌الملل (ایوانز گراهام. جفری نونام)، نشر میزان.
- مطهرنیا، روزنامه خبر، ۲۵ خرداد ۱۳۹۴.

### ب. منابع عربی

- الغنوشی، راشد، (۲۰۰۸)؛ الحریات العامه فی الدوله الاسلامیه، بیروت؛ مرکز دراسات الوحده العربیه.
- الغنوشی، راشد، (۲۰۱۱)، من الفكر الاسلامی فی تونس، کویت؛ دار القلم کویت.
- الغنوشی، راشد، (۲۰۱۰)، الحركه الاسلامیه و مسئله التغير، المركز المغاربی للبحوث و الترجمة، الطبعة الاولى.
- الغنوشی، راشد، (۲۰۰۹)، المقاربات فی العلمانیه و المجتمع المدنی، مرکز البحوث المغاربی و الترجمة.

### ج. منابع انگلیسی

- The new geopolitics of oil, U S A, Foreign policy researchinstitute. (2008).
- Glassner. Martin (2003). Political geography, Singapore, Joha Wiley & Sons Inc.
- The Gulf Tanker War, MacMillan Press Ltd, 1998.
- Huntington, Samuel The clash of civilizations, In: Geopolitics reader, London, Routledge Peres. (2006)
- Williiam klark, Geopolitical Pivots OF History (Leicester Unhversity Press), 1999
- Saul B. Chohen, Geography And Politics in a Pivided 2nd ed. New York: OxfordUniversity Press, (2009).

